

Typology of Women Employment in the Prophetic Era; A Research into History and Social Sireh

Fatemeh Rezvani*

Received: 2017/04/29

Accepted: 2017/06/20

Many people and schools have conceived that women's work in the socio-cultural history of Islam is limited to the home and home environment, and it may have existed in some political situations, such as war, ritual of Hajj and allegiance, which does not lead to salvation. The exact investigation of valid and valid studies and typology of women's employment in the behavior of the prophet clearly states that although the exhausting and cost-effective labor of women at home is very important for family and dynamism of society, his employment is not confined to this realm. This research, using a descriptive-analytical method with the aim of identifying the occupational forms of women in the Prophetic Age, which also crystallized in their sons, examines the work of women in the Prophet's family, and their achievement is to assess the presence of women in economic, artistic, cultural, and agricultural occupations. Medical and military, and variety in this presence, which naturally opens up the conditions of social and cultural development of the first top of Islam, because the society and the custom have approved and managed this employment. Meanwhile, women's employment has been socially and not very economical.

Keywords: Typology, women's social history, prophetic life, women's employment.

* M.A. of History of Islam, Alzahra University.

fateme.rezvani313@gmail.com

گونه‌شناسی اشتغال زنان در عصر نبوی؛ پژوهشی در تاریخ و سیره اجتماعی

فاطمه رضوانی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۳۰

چکیده

بسیاری از افراد و مکاتب تصور کرده و می‌کنند که کار زن در تاریخ اجتماعی فرهنگی اسلام منحصر به محیط خانه و خانه‌داری است و احیاناً حضور در برخی شرایط و موقعیت‌های سیاسی مانند جنگ، مناسک حج و بیعت نیز وجود داشته است، که عرفاً اشتغالی در پی ندارد. تفحص دقیق در سیره و تاریخ‌نگاری‌های معتبر و گونه‌شناسی اشتغال زنان در سیره نبوی به خوبی بیان می‌کند که اگرچه کار طاقت‌فرسا و مقرون به صرفه زن در خانه برای تقویم نهاد خانواده و پویایی جامعه بسیار مهم و حساس است اما اشتغال او منحصر به این ساحت نمی‌شود. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با هدف شناخت گونه‌های شغلی زنان در عصر نبوی که در سیره ایشان هم تبلور داشته است به بررسی نهاد کار زنان در سیره نبوی می‌پردازد و دستاورد آن احصاء و اثبات حضور زنان در مشاغل اقتصادی، هنری، فرهنگی، کشاورزی، پزشکی و نظامی و تنوع در این حضور می‌باشد که طبعاً شرایط فرهنگی اجتماعی صدر اول اسلام را نیز نمایاند چرا که جامعه و عرف این اشتغال را تأیید کرده و مدیریت می‌کرده است. ضمناً اشتغال زنان با رویکرد اجتماعی و نه چندان اقتصادی بوده است.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی، تاریخ اجتماعی زنان، سیره نبوی، اشتغال زنان.

مقدمه

ظهور اسلام موجب تحولات عمیق در جامعه جاهلیت شد، این تحولات به طور ویژه بر گروه زنان تأثیر گذاشت و در وضعیت و موقعیت آنان تغییرات اساسی ایجاد کرد. تعالیم پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به گونه‌ای بود که جامعه تاریک و عقب‌مانده آن دوران را به سرعت به سوی نور و فضیلت هدایت کرد. روحیه عدالت‌خواهی و برابری در مسلمانان دمیده شد و زنان که جزء اموال و دارایی مردان بشمار می‌رفتند و خودشان نه ارث می‌بردند و نه حق مالکیت داشتند با آیه شریفه «...لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ...» (نساء / آیه ۳۲) جانی تازه یافتند و توانستند با ورود به عرصه‌های مهم فرهنگی سیاسی اقتصادی اجتماعی به بهترین شکل ایفای نقش کنند.

از سوی دیگر کار و تولید در سیره پیامبر بسیار ارزشمند بود و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای کارگران احترام ویژه‌ای قایل بودند. انس بن مالک می‌گوید:

«هنگامی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از جنگ تبوک برمی‌گشت، سعد انصاری - یکی از کارگران مدینه - به استقبال آن حضرت آمد. هنگامی که رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با او دست داد، لمس دست‌های زبر و خشن مرد انصاری، حضرت را تحت تأثیر قرار داد. برای همین، از او پرسیدند: چرا دست‌های تو این چنین کوفته و خشن می‌باشد؟ آیا ناراحتی خاصی به دستانت رسید است؟»

عرضه داشت: یا رسول‌الله! این خشونت و زبری دستانت من، بر اثر کار با بیل و طناب است که به وسیله آن‌ها زحمت می‌کشم و مخارج خود و خانواده‌ام را تأمین می‌نمایم. «فقبل یده رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و قال: هذه ید لا تمسها النار»؛ پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دست او را بوسیده و فرمود: این دستی است که آتش (جهنم) آن را لمس نخواهد کرد» (ابن اثیر، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص. ۱۶۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص. ۷۲؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۳۸۳ق، ج ۴، ص. ۲۰۲).

آن حضرت اشتغال به کارهای حلال را مانند سایر عبادات، بر زن و مرد مسلمان ضروری دانسته و می‌فرماید:

«طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة؛ به سراغ درآمد حلال رفتن، بر هر مرد و زن مسلمان لازم است».

۱. طرح مسئله

از نظر اسلام زن و مرد دارای ارزش یکسانی هستند و تفاوتی با هم از جهت انسانی ندارند اما در مورد مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی تناسب حال و ویژگی‌های هر گروه ملاحظه شده است

دو دیدگاه درباره اشتغال زنان وجود دارد؛ دیدگاهی که برای ورود زن به حوزه کار، هیچ شرطی را در نظر نمی‌گیرد و بدون توجه به تکوین و تفاوت جنسیتی و طبیعی او را مشابه مرد می‌بیند که این نگاه در مکاتب مدرن محقق شده و اکثر نحله‌های فمینیسم هم از آن جانبداری می‌کنند. در مقابل گروهی اساساً با حضور زن در اجتماع و انتخاب پیشه او مخالفند و تمام فعالیت وی را منحصر در محیط خانه می‌دانند.

به نظر نمی‌رسد هیچ‌یک از این دو نگاه، با تبیین اسلام و نبی مکرم آن از جایگاه زنان سنخیت داشته باشد لذا این نوشتار با تتبع عمیق تاریخی به دنبال تأیید یا عدم تأیید این دو نگاه و در صورت عدم تأیید، ارائه نگاه سوم است. البته تبیین متفاوت از این موضوع بحثی در الهیات جنسیتی (امین مجد، ۱۳۹۵) اسلام است و دامنه زیادی دارد لکن مقدمه آن توصیفی گونه‌شناختی و جامع از شواهد اشتغال زنان است. لذا مسئله این تحقیق این است که انواع و ابعاد موقعیت اشتغال برای زنان در سیره نبوی چگونه است.

این تحقیق به لحاظ هدف توسعه‌ای و از نظر ماهیت توصیفی تحلیلی است که در گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار فیش‌برداری صورت پذیرفته است.

۲. پیشینه تحقیق

اقتضای پژوهش‌های کتابخانه‌ای این چنین تسلط و اشراف بر منابع دست اول و مرتبط و آشنایی با حدود و ثغور پرداخت به موضوع و مسئله در شرایطی غیر از شرایط امروزی تحقیق است. لذا به مجموعی از منابع که پژوهش را عملاً غنا بخشیده و میزان

پرداختشان به موضوع و مسئله اشاره می‌شود.

کتاب «الطبقات الکبری» اثر محمد بن سعد، معروف به کاتب واقدی و مشهور به ابن سعد (متوفای ۲۳۰ هجری)، از منابع عمده تاریخ اسلام در باب زنان در صدر اسلام است و دارای ۸ مجلد است و جلد هشتم آن در باب زنان است. می‌توان گفت این اثر نخستین منبع معتبر در باب زنان است که سرمشق مورخان، رجالیان و اصحاب تراجم قرار گرفته است. «تاریخ مدینه دمشق»، اثر ابن عساکر دمشقی (متوفای ۵۷۱ هجری) گرچه از حیث تاریخی از منابع معتبر و دست اول نیست ولی از حیث رجال و تراجم عمده محسوب می‌گردد. این مجموعه ۸۰ مجلد است. مجلد مربوط به زنان آن توسط سکینه شهابی در سال ۱۹۸۱ در دمشق چاپ شده است. «الحدائق الغناء فی اخبار النساء»، تراجم شهرات النساء، فی صدر الاسلام، اثر ابوالحسن علی بن محمد المعافری المالقی (متوفای ۶۰۵ هجری) این کتاب ۹ جزء است و در آن به زندگی و افکار و اشعار زنان صدر اسلام پرداخته و حاوی نکاتی است که شاید در کمتر کتابی بتوان یافت. کتاب توسط دکتر عائده الطیبی در لیبی به چاپ رسیده است. کتاب «الاصابه فی تمییز الصحابه» اثر ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ هجری) از کتب معتبر رجالی و اصحاب تراجم است. در مجلد هشتم این کتاب که اختصاص به زنان دارد نام ۱۵۴۹ زن آمده است که همه در کسوت و مقام صحابیه‌اند. این کتاب در میان محدثان و رجالیون اهل سنت اعتبار خاصی دارد. کتاب «المعجم الکبیر» اثر ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (متوفای ۳۶۰ هجری قمری) که ۲۵ جلد است؛ در ۳ جلد آخر به شرح حال زنان صدر اسلام پرداخته است. او از محدثان بزرگ اهل سنت است ولی اهل کتمان فضایل اهل بیت نبوده است. ابن عقده که از طبرانی استماع حدیث کرده از او به عنوان شخصیتی بی‌نظیر یاد کرده است، معجم او مشتمل بر ۶۰۰۰ حدیث است و گفته‌اند بزرگترین مسند دنیاست. «اعلام النساء فی عالم العرب والاسلام» از عمر رضا کحاله، در دو جلد به زبان عربی که نویسنده به معرفی زنان بزرگ تاریخ اسلام و عرب پرداخته است. پیشینه دیگری که این تحقیق را پشتیبانی می‌کند اما مایه کفایت موضوع نیست، کتاب «زنان دانشمند راوی حدیث»، نوشته احمد صادقی اردستانی به زبان فارسی است. به معرفی شصت و هفت بانوی راوی حدیث پرداخته و در ضمن به ویژگی‌های دیگری که داشته‌اند و بعضاً شغل آنان نیز اشاره کرده است.^۱

۳. نوآوری تحقیق

آنچه در این منابع به طور عمده آمده به صورت پراکنده به موقعیت زنان از زوایای گوناگون پرداخته شده است و در هیچ‌یک از آنان گونه‌شناسی مشاغل زنان به صورت نسبتاً کامل صورت نگرفته است.

۴. چارچوب مفهومی

۴-۱. جایگاه کار

اشتغال امروزه در جامعه ما، یکی از مسائل اساسی و موضوعات مورد بحث می‌باشد، و هر کس نسبت به فراخور حالش و براساس رشته تخصصی و اندیشه خود، در مورد چگونگی اشتغال و آداب و شیوه‌های کار، علل و انگیزه‌های بیکاری، انواع مشاغل، سخن گفته و بحث می‌کند.

در سیره نبوی اهمیت و ارزش کار تا بدانجاست که هرگاه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با جوانان سالم و نیرومندی مواجه می‌شد و بازوهای ستبر و اندام مناسب آنان، موجب شگفتی ایشان می‌گشت، آن حضرت با آنان احوال‌پرسی نموده و از وضعیت زندگی و شغلشان سؤال می‌نمود، اگر در جواب گفته می‌شد که: وی فردی بیکار است و هیچ‌گونه شغلی ندارد؛ آن بزرگوار ناراحت می‌شد و می‌فرمود: «سقط من عینی»؛ از چشمم افتاد (فرد بیکار در نظر من ارزشی ندارد).

اطرافیان می‌پرسیدند: یا رسول الله! چرا این افراد را دوست نمی‌دارید؟ ایشان می‌فرمود: برای اینکه اگر مؤمن شغلی نداشته باشد که با آن امرار معاش کند، از دین خود خارج خواهد شد (نوری، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص. ۱۱). آن حضرت در گفتاری حکیمانه، افراد تنبل و بی‌حال را که تن به کار نمی‌دهند و از دست رنج دیگران بهره‌مند می‌شوند، مورد نکوهش و سرزنش شدید قرار داده، و می‌فرماید: «ملعون ملعون من القی کله علی الناس، ملعون ملعون من ضیع من یعول»؛ از رحمت خدا دور است، از رحمت خدا دور است کسی که بار زندگی خود را به گردن مردم بیندازد. ملعون است، ملعون است کسی که اعضای خانواده‌اش را (در اثر تأمین نکردن نفقه) تباه کند (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ص. ۳۷).

۴-۲. اهمیت اشتغال زنان

زنان نیمی از اعضای مؤثر جامعه هستند و حذف آنان از عرصه تولید و اقتصاد در واقع حذف نیمی از جامعه انسانی می‌شود که نتایج خسارت‌باری خواهد داشت. از این رو اشتغال زنان دارای آثار مثبت و اهمیت فراوانی است. تلاش زنان علاوه بر تأثیرگذاری اجتماعی، وسیله‌ای برای بهبود وضع اقتصادی خانواده به شمار می‌رود و از جهت فردی نیز موجب نشاط و سرزندگی او می‌شود. همانگونه که زن در خانه مایه آرامش و محور زندگی است و ملجأ پاسخگویی به نیازهای تمام اعضای خانواده، و گرمی‌بخش محیط خانه است، حضور او در اجتماع نیز، مخصوصاً در بخش‌هایی مانند بهداشت و درمان و تعلیم و تربیت و عرصه‌هایی از این قبیل ضروری است و می‌تواند حتی بهتر از مردان به ایفای نقش بپردازد.

۵. یافته‌های تحقیق

اسلام در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز، برای زن شخصیت مستقل حقوقی قائل است. دخالت زن را مانند مرد در تمام فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی جایز می‌داند و هیچ فرقی بین آن دو از این جهت نمی‌گذارد. جالب است بدانیم که زن، خود را برابر، با مردان می‌دانست و به همین جهت نام «شقیقه» بر خود می‌نهاد. «و ما نحن و الفتیان اللشقاق» در مثال آمده است که «ان النساء شقائق القوام». شقائق جمع شقیقه است و به معنی هر چه که دو نیم می‌شود و همه حقوق یک نیم به نیم دیگر هم سرایت می‌کند (آئینه‌وند، ۱۳۸۴، صص. ۵-۲۶). در این تحقیق به معرفی گونه‌های متنوع شغلی که زنان، در عصر پیامبر به آن‌ها مشغول بوده‌اند و پیامبر در مواردی مشوق آنان بوده و یا آنان را تأیید نموده‌اند، می‌پردازیم.

۵-۱. مشاغل اقتصادی

۵-۱-۱. تجارت و بازرگانی

بسیاری از زنان در عصر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به تجارت می‌پرداختند، نمونه بارز این زنان حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) بوده، که قبل از ازدواج با پیامبر و پس از آن در تجارت نقش چشمگیری داشت و ارقام عمده‌ای از کالاهای مورد نیاز را خرید و فروش می‌کرد.

زنان ثروتمند دیگری به خرید و فروش کالا اشتغال داشته‌اند که گاه خدمت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسیده، احکام تجارت اسلام را از ایشان می‌آموخته‌اند. گرچه مورخان به علت فراوانی تاجران زن در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، موضوع یادشده را گزارش نکرده‌اند، اما به تناسب موضوعات دیگر، نمونه‌هایی در احادیث آمده است.

قیله انماری تاجر بوده و در داد و ستد از پیامبر راهنمایی می‌گرفته است. ام شبیه دختر ابی طلحه از تاجران مکه بود که طبری در تاریخ خود از او یاد کرده است (آئینه‌وند، ۱۳۸۴، صص. ۵-۲۶).

۵-۱-۲. دست‌فروشی و دوره‌گردی

دست‌فروشی و دوره‌گردی (ابن هشام، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص. ۲۷۸) از دیگر شغل‌های زنان صدر اسلام است. زنان در دوران پیامبر با تأیید نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حق داشتند به دست‌فروشی اشتغال ورزند.

«انما رخص رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) للنساء العواتق فی الخروج فی العیدین للتعرض فی الرزق»؛ رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به زنان جوان اجازه داد تا در مراسم عید فطر و قربان (از منزل‌های خود) خارج شده، برای تهیه روزی بساط بگسترانند (ابن هشام، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص. ۲۷۸) (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص. ۲۸۷، باب ۱۶، حدیث ۱۴).

تعدادی از زنان عصر حضور پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به عطر‌فروشی اشتغال داشته‌اند. اینان به صورت دوره‌گرد، به خانه‌های مردم مراجعه کرده، کالاهای خویش را عرضه می‌کردند. تاریخ اسلام از زنان فروشنده‌ای نام برده که برای فروش عطر به منزل رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌آمدند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص. ۱۹۱).

روزی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) وارد منزل شد، در حالی که بوی عطر به مشام می‌رسید. آن حضرت فرمود: من بوی حولاء عطر‌فروش را استشمام می‌کنم، او نزد شما آمده است؟ آیا از او چیزی خریده‌اید؟ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حولاء را موعظه می‌کرد و می‌فرمود: «هرگاه عطر می‌فروشی، جنس سالم و با قیمت مناسب تحویل مردم بده و هرگز در جنس خود تقلب روا مدار؛ زیرا معامله سالم پاک‌تر است و سبب خیر و

برکت می‌شود» (کلینی، بی‌تا، ج ۵، ص. ۱۵۱).

۳-۱-۵. صنایع دستی

ریسندگی و بافندگی از مشاغل مرسوم زنان در صدر اسلام بوده است؛ شغلی محبوب که در روایات چندی مورد توجه قرار گرفته و برای زنان سفارش شده است. مادر حسن نخعی گفت: امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) بر من گذشت و فرمود: به چه کاری مشغول هستی؟ گفتم: می‌بافم [نخ می‌ریسم]. فرمود: آگاه باش که این (شغل) حلال‌ترین پیشه‌ها است (خطیب بغدادی، بی‌تا، ج ۱۳، ص. ۲۵۳). سعیده اسدی پارچه‌بافی داشت و از پشم و مو پارچه درست می‌کرد (آئینه‌وند، ۱۳۹۱). از برخی روایات دیگر - که به خاطر اختصار از آن‌ها صرف نظر می‌کنیم، پیداست که صنایع دستی، حرفه همه زنان آن دوره بوده است و در میانه ملت‌های دیگر نیز رواج داشته است (طیرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص. ۲۶۳).

۴-۱-۵. خیاطی

از قدیمی‌ترین شغل‌های خانگی زنان محسوب می‌شود که حرفه‌ای سودآور برای آنان بوده است و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که رابطه دختر عبدالله تقفی همسر عبدالله بن مسعود به این حرفه اشتغال داشته و حاصل کار خود را بفروش می‌گذاشت و صدقه می‌داد: «کانت صناعا و کانت تبیع من صنعتها و تصدق» (طیرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص. ۲۶۳). عقیل از غنایم به دست آورده از مشرکان، سوزنی جهت خیاطی برای همسرش هدیه آورده بود که ناگهان منادی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اعلام کرد: «هر که چیزی از غنایم نزد اوست، پس بدهد و او سوزن را پس داد» (ابن هشام، ۱۴۱۳ق، ج ۴). ام سنان اسلمیه وقتی که عازم جنگ خیبر بود، نزد پیامبر آمده، عرض کرد: ای رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با شما می‌آیم که مشک‌ها را بدوزم و... (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص. ۲۴۵). از این مطلب روشن می‌شود که دوزندگی زنان به محیط خانه محدود نمی‌شده و جنبه عمومی و فراگیر داشته است. و در آن زمان، مثل عصر حاضر به خیاط زن احتیاج داشته‌اند، به خصوص که ابزار دوخت و دوز برای همه فراهم نبوده است و زنان

خاصی ابزار خیاطی داشته‌اند.

۵-۱-۵. دباغی

این حرفه یکی از مشاغل پر رونق زنان سده نخست بوده است. زینب دختر جحش همسر پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دباغی می‌کرد و حاصل دسترنج خود را می‌فروخت و به نیازمندان اختصاص می‌داد، کار او مورد تأیید و قبول رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود.

«وكانت زينب امراه صناع الیدین فكانت تدبغ و تخرز و تبیع ما تصنعه و تتصدق علی المساكين»؛ زینب زنی صنعتگر بوده که با دست‌هایش دباغی و خرازی می‌کرد، سپس آن را می‌فروخت و (پولش را) به درماندگان صدقه می‌داد.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: از میان شما زنان من، آن زنی زودتر به من ملحق می‌شود که دستش بلندتر است. زنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این معنی را متوجه نشدند، مگر وقتی که زینب از دنیا رفت (بدان جهت که او کار می‌کرد و صدقه می‌داد).
رائطه (یا ریطه) نام همسر عبدالله بن مسعود، صحابی مشهور است. این بانو که خود از یاران دانشمند پیامبر بوده و احادیثی نیز نقل کرده، به صنعتگری می‌پرداخت و پولش را در راستای آسایش شوهر و فرزندان خرج می‌کرد (کحاله، ۱۹۸۴م، ج ۲، ص. ۶۱).

او یک روز به شوق دستگیری از مستمندان، به حضور پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شرفیاب شد و در این مورد چیزی پرسید. آن حضرت فرمود: درآمد شغل خود را در راه همسر و فرزندان انفاق کن [که بهترین صدقه است].

دباغی حرفه‌ایست که پوست حیوانات را پاک و پرداخت کرده برای دوختن مشک و کفش آماده می‌سازد.

خرازی در فرهنگ تازی به معنی دوخت و صنعت پوست و چکمه‌دوزی و ظروف آب مثل مشک و پستی و مانند این‌ها به‌کار می‌رفته است.

۲-۵. مشاغل خدماتی

۱-۲-۵. دایگی و شیر دادن

دایگی و شیر دادن از شغل‌های مرسوم آن دوره بوده و بسیاری از زنان به عنوان منبع درآمد، نگهداری و پرستاری از اطفال را به عهده می‌گرفتند. از دلایل سپردن شیرخواران به دایه‌های بادیه‌نشین، بالا رفتن خصلت‌های عالی به ویژه فصاحت و بلاغت و جنگاوری فرزندان بوده است. مشهورترین آن‌ها حلیمه سعیدیه بود (ابن هشام، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص. ۱۸۵).

۲-۲-۵. شاطری

شاطری که از کارهای خدماتی عصر پیامبر به شمار می‌آمده، از مشاغل رایج آن زمان بوده است. از گزارش ابن حجر برمی‌آید که این واژه (به معنای امروزی) در آن دوره متداول بوده است. او در این باره چنین نوشته است:

«و كانت [فضه النوبیه] شاطره الخدمه فعلمها رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) دعا تدعوبه فقالت لها فاطمه اتعجین او تخبزین؟ فقالت بل اعجن یا سیدتی فذهبت و احتطبت...»؛ فضه نوبیه آماده خدمت بود. رسول خدا دعایی به او آموخت که به آن استمداد می‌جست. فاطمه به او گفت: خمیر می‌کنی یا نان می‌پزی؟ فضه گفت: بانوی من، من خمیر می‌کنم و او رفت و هیزم آورد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص. ۱۶۷).

۳-۲-۵. نظافت مساجد

نظافت مساجد که از اماکن عمومی و مقدس محسوب می‌شود، از جمله کارهایی بوده که در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) توسط زنان انجام می‌شده است.

ابوهریره گوید: زن سیاه چهره‌ای مسجد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را تمیز می‌کرد. چندی گذشت که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) او را ندید. از حال او جويا شد. یاران گفتند: وی از دنیا رفت. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: چرا مثل همیشه از من اذن نگرفتید؟ (گویا یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) امر آن زن را کوچک شمرده و بدون اطلاع پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مراسم

را به جا آورده و به خاک سپرده بودند). سپس فرمود: مرا به قبر آن زن راهنمایی کنید. پس از آن، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) سر قبر او حاضر شد و نماز خواند (قنوجی بخاری، ۱۹۸۱م، صص. ۲۲۴-۲۲۵).

زنان دیگری نیز به نظافت مسجد مشغول بوده‌اند و حضرت، علاوه بر آنکه آن‌ها را منع نکرده، به آنان اظهار محبت نیز کرده است

از روایت فضه نوبیه موضوع خدمتگزاری زنان در منزل نیز استفاده می‌شود (ابن حجر عسقلانی، ۴۲۶ق، ج ۸، ص. ۱۸۷).

۵-۲-۴. خدمتکاری

خدمتکاری زنان شوهردار و زنان آزاده نیز در آن زمان معمول بوده است. نمونه روشن این موضوع، اسماً بنت عمیس و ام ایمن هستند که در خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) خدمت می‌کرده‌اند.

۵-۳. مشاغل اداری

(شفا) که از بیعت کنندگان نخست و از مهاجران بوده، در ردیف زیرک‌ترین زنان صحابی قرار داشته است.

ابن حجر درباره او چنین می‌نویسد:

«كانت من عقلاء النساء و فضلائهن و كان رسول الله يزرورهما و يقيل عندها في بيتهما.... كان عمر يقدمها في الرأي و يرعاها و يفضلها و ربما و لاهما شيئاً من إمر السوق»؛ وی از زنان عاقل و فاضل بود. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به دیدن او می‌رفت و خلیفه دوم او را در نظرخواهی مقدم و محترم می‌داشت و بر دیگران ترجیح می‌داد و چه بسا چیزی از کار بازار را به او واگذاشته بود (ابن حجر عسقلانی، ۴۲۶ق، ج ۸، صص. ۱۲۰-۱۲۱).

نام بانویی به اسم (سمرا بنت نهیک) نیز مطرح است که در کار بازار، متصدی پست (احتساب) بوده است (طبرانی، ۴۰۴ق، ج ۲۳، ص. ۴۳۸ و ج ۲۴، صص. ۲۶-۲۷).

دختر نهیک، از کسانی بود که متصدی امر به معروف و نهی از منکر در بازار بود و جزء محتسبین (مأموران انتظامی) به حساب می‌آمد، «علیها درع غلیظ و خمارغلیظ بیدها سوط

تؤدب الناس وتامر بالمعروف وتنهى عن المنكر» (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۳۱۱).

۴-۵. هنری

۱-۴-۵. آرایشگری

آرایش برای زنان اهمیت ویژه‌ای دارد و از گذشته دور تا کنون مرسوم بوده است و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) همچنین سنتی را تأیید نموده است. ام رعله قشیری از آرایشگران زمان جاهلیت بود خدمت پیامبر رسید و گفت: شغل من مشاطه‌گری است و زنان را برای همسرانشان آرایش می‌کنم آیا این کار حرام است؟ پیامبر فرمود: آنان را آرایش و زینت کن (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۴۵۰). نام زنان دیگری مانند ام غیلان دوسیه و ام زفرجثامه و ام عطیه و ام سلیم نیز دیده می‌شود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص ۲۳۵). اسما و آمنه دختر عفان خواهر عثمان، آرایشگر زنان بودند و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این شغل به آنها اجازه داده بود (آئینه‌وند، ۱۳۹۱).

۲-۴-۵. شعر و شاعری

از شاعران زن دوران پیامبر می‌توان به «خنساء» اشاره کرد. شعرهای او در رثای برادرانش زبازد ادیبان است، نه قبل از او و نه بعد از وی زنی به عظمت این بانو شعر نگفته است. وقتی از ادیبان نامور عرب سؤال می‌شود که خنساء در چه پایگاهی از ادبیات ست سخنان بلندی دارند. به جریر گفته شد: شاعرترین شخص کیست؟ «من اشعر الناس؟» گفت: «انا لولا هذه»؛ اگر خنساء نبود می‌گفتم: شاعرترین مردم این عصر من هستم. بشار می‌گفت: زنی تاکنون بدون نقص ادبی شعر نگفته است مگر این بانو. و روزی به بشار گفتند: اگر زن به مقام سرایندگی بنام، نمی‌رسد پس نظرت درباره خنساء چیست؟ گفت: «تلك فوق الرجال» او بالاتر از شعرای مرد است. پس از اسلام و در اثر خوی جاهلیت، خیلی از زن‌ها و مرد‌ها از قبول آن سر برتافتند ولی این بانو به خاطر نبوغ فکری که داشت اسلام آورد «فقدمت الخنساء على رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فاسلمت واستنشدتها فانشدته فاعجب بشعرها» وجود مبارک رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از این بانو درخواست شعر نمود، و او شعری گفت و حضرت

رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) از شعر او به شگفت آمد. خنساء فرزندان را در جامعه اسلامی تربیت نمود، و آنان را خود، تجهیز و تشویق می نمود و به جبهه می فرستاد و به آنان چنین وصیت نمود: «یابنی انکم اسلمتم طائعين و هاجرتم مختارين، والله الذی لا اله الا هو انکم لبنو رجل واحد کما انکم بنو امرأة واحدة ما هجنت حسبکم ولا غیرت نسبکم، واعلموا ان الدار الاخرة خیر من الدار الفانیة، اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون»؛ دنیا در برابر آخرت بی ارزش است، دار پایدار بهتر از دار ناپایدار است و شما، فرزندان یک پدر و مادری. من حسب و نسب شما را آلوده نمودم، بکوشید و برای دیتان تلاش کنید و جبهه ها را گرم نگه دارید، زیرا شما با اختیار مسلمان شدید و با طوع و رغبت اسلام آوردید و با اختیار هجرت کردید، این زن به فرزندانش می گوید: وقتی که دیدید بازار شهادت گرم و میدان جنگ داغ است فرصت را مغتنم شمارید و حضور پیدا کنید «فتمموا وطیسها». او فرزندانش را به حضور در جبهه دعوت می کند تا شهادت را غنیمت بیاورند. یا فاتح می شوند که پیروزی غنیمت است و یا شهید می شوند که شهادت غنیمت است. این زن فرزندانش را به شهادت و کرامت دعوت می کند و می گوید «تظفروا بالغنم والکرامة فی دار الخلد والمقامة». «فلما اضاء لهم الصبح، باکروا الی مراکزهم، فتقدموا واحدا بعد واحد، ینشدون اراجیز یدکرون فیها وصیة العجوز لهم».

هر یک از این فرزندان، وصایای مادر را به نحوی در رجزهای خود می گنجانیدند «حتی قتلوا عن اخرهم» تا اینکه همه شهید شدند و خبر به این مادر شهیدپرور رسید که، چهار فرزندت کشته شدند؛ «فقال: الحمد لله الذی شرفنی بقتلهم وارجو من ربی ان یجمعنی بهم فی مستقر الرحمة»، سپاس خداوندی را که به واسطه شهادت آنان به من شرافت بخشید و امیدوارم که مرا همراه آنان در سایه رحمتش جای بخشد. کدام مرد را سراغ داریم که به رشادت و شجاعت و بصیرت این زن برسد؟ (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۷).

«کبیشه» مادر سعد بن معاذ نیز یکی از شاعرانی بود که در مرگ فرزندش - در جنگ خندق - نوحه سرایی می کرد و اشعار سوزناک می سرود. بسیاری در مرگ سعد مبالغه و گزافه می گفتند. اما پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: هر نوحه سرایی دروغ می گوید به جز مادر سعد بن معاذ.

از زنان شاعر دیگر ام کلثوم خواهر حق طلب عمرو بن عبدود بود که برادرش در جنگ خندق، به دست توانای امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) کشته شد. وقتی خبر مرگ برادر به خواهرش رسید، از قاتل وی سؤال کرد. وقتی فهمید که علی (علیه‌السلام) قاتل برادرش است، گفت: این افتخار برای برادر و همه خانواده‌اش بس که به دست مردی بزرگوار و عالی مقام کشته شده است. وی زنی شاعر و اهل ادب بود و اشعار زیادی در مرگ برادر سرود. در این اشعار به تجلیل از شخصیت علی (علیه‌السلام) به عنوان قاتل برادر هم مبادرت شده است. ترجمه یکی از اشعار او این است: «اگر کسی غیر از علی قاتل عمرو بود بر مرگش همیشه گریه می‌کردم» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۶ق، ص. ۲۷۴).

از «امّ جندب» همسر امرؤالقیس نیز می‌توان نام برد که او را به عنوان داور در اشعار می‌پذیرفتند و در موردی بین همسرش و شخصی به نام علقمه داوری کرده و حکم به سود علقمه و به زیان شوهرش داد (عفیفی، ۱۹۳۲م، ص. ۱۷۳).

نمونه‌های فراوان از اشعار زنان را می‌توان در کتاب اعلام النساء مطالعه کرد.

۵-۴-۳. خوانندگی

خواندن زنان در جشن‌ها و سوگواری‌ها، در احکام فقهی با عنوان (غنا و نوح) آمده است، با اینکه فقها غنا را حرام دانسته‌اند، اما غنای زنان در مجلس عروسی را در صورت عدم حضور مردان و عدم صدق لهو و لعب استثنا کرده‌اند «فیحرم فعله وتعلمه وتعلیمه واستماعه والتکسب به، الاغناء العرس مالم یدخل الرجال علی المره و لم تتکلم بالباطل ولم تلعب بالمناهی»؛ حرام است انجام آن (غنا) آموختن آن و آموزش دادن آن و شنیدن آن و وسیله کسب قرار دادن آن، مگر آواز خواندن در عروسی تا زمانی که مردان بر زن خواننده وارد نشوند و سخن باطل نگویند و مرتکب لهو و لعب نشوند (شهید اول، بی‌تا، ص. ۳۱۶).

۵-۴-۴. صنایع شادی، سرور و سرگرمی

برخی از زنان مکه و مدینه اهل طنز و مزاح بودند و برای زنان در این باره مجلس شادی به پا می‌کردند.

۵-۴-۵. رنگریزی و نقاشی

زنی از خاندان بنی اسد گوید: روزی در محضر زینب، همسر پیامبر بودم و با او جامه‌اش را رنگ قرمز زدیم. در این میان پیامبر وارد شدند به سوی ما نگر بستند و متوجه رنگ آمیزی ما شدند. چون رنگ قرمز بود، برگشتند. زینب که این وضع را دید، فهمید که رسول خدا این رنگ را نپسندیده‌اند. از این رو لباس را شست و سرخی آن را از میان برد. پیامبر بازگشتند و چون چیزی ندیدند به خانه در آمدند.

۵-۵. فرهنگی

۱-۵-۵. آموزش

در سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بر فراگیری علم و دانش و دوری از جهل و جهالت تأکید بسیاری شده است و این تأکید نسبت به تمام افراد جامعه را دربر می‌گیرد. «طلب العلم فریضه علی کل مومن ومومنه» بر اساس گزارش‌های تاریخی زنان در بیشتر عرصه‌های علمی حضور فعال و چشمگیری داشتند و حتی جالب است اشاره کنیم که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روز خاصی را به پاسخگویی به سؤالات زنان اختصاص داده بود. «زنان نزد پیامبر آمدند و عرضه داشتند: مردان در بهره‌گیری از محضر شما بر ما غلبه دارند. روزی را نیز به اختصاص دهید. رسول خدا روزی را خاص آنان قرار داد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱، ج ۱۱، ص. ۵۴۸۹).

بهترین شاهد بر توفیق زن مسلمان در عرصه علمی در عصر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) داستان ام‌سلمه، اسما، دختر زید بن سکن انصاری است. این زن را به خاطر دانش و خرد و تدینش خطیبه النساء سخنور زنان لقب داده بودند او به نمایندگی از طرف زنان خواسته‌های زنان را پیش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مطرح می‌کرد پیامبر او را تأیید و بر دین و خردش آفرین گفت (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص. ۲۱).

شفاء دختر عبدالله ابن عبد الشمس عدوی، کتابت می‌دانسته و به تعلیم آن می‌پرداخته است (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص. ۳۱۶). او در مدینه خانه‌ای داشت که آن را مدرّس قرار داده بود و به زنان دانش می‌آموخت (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص. ۲۰۲).

همچنین حضور آگاهانه تعدادی از زنان مسلمان همراه شوهران خود در هجرت به حبشه (ابن هشام، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص. ۳۳۰)، نشانگر آشنایی آنان با تعالیم و معارف

اسلامی می‌باشد که مستقیماً توسط پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و یا غیرمستقیم توسط شوهرانشان به آنان آموزش داده شده بود. در داستان اسلام عمر به نکته تازه‌ای در آموزش زنان برخورد می‌کنیم و آن فراگیری معارف اسلام توسط یک زوج از یکی از اصحاب با سابقه است. در این داستان مشاهده می‌نماییم که فاطمه خواهر عمر به همراه همسرش سعید بن زید در خانه خود پذیرای خَبَّاب بن ارت می‌شده و او به آن‌ها تعلیم قرآن می‌داده است (ابن هشام، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص. ۳۴۲).

۲-۵-۵. سخنوری

ام‌الخیر بنت حریش بن سراقه از قدرت سخنوری بالایی برخوردار بود و خطیب بلیغی شمرده می‌شد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص. ۳۰۹). اسماء بنت یزید و ام سلمه برای بانوان سخنرانی می‌کردند (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص. ۳۱۹).

۶-۵. نظامی

میدان جهاد و عرصه نبرد نیز، یکی دیگر از عرصه‌های حضور زنان به شمار می‌رفت؛ زنان برای قبل از نبرد، پشت صحنه نبرد و حتی در میدان نبرد، حضوری فعال داشتند. از زنانی که در عرصه نبرد به ایفای نقش پرداخته «امیه» دختر قیس غفاری است که در سن ۱۴ سالگی به اسلام گروید و در جنگ خیبر که ۱۷ سال داشت شرکت کرد و پیامبر خدا در جنگ وظایفی را به او محول کرد که وی به خوبی آن‌ها را انجام داد و به همین دلیل پیامبر جایزه‌ای به او اهدا کرد و آن گردنبندی بود که امیه تا زمان مرگ آن را از خود جدا نکرد و وصیت کرد که آن را به همراهش دفن کنند (ابن هشام، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص. ۲۴۲).

۱-۶-۵. کمک‌های مالی

نمونه‌ای از فعالیت زنان هنگام جنگ‌ها جمع‌آوری کمک‌های نقدی بود که در جنگ تبوک قابل مشاهده است (واقدی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص. ۷۵۵). ام‌سنان اسلمی گوید: در خانه عایشه دیدم پارچه‌ای جلوی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) انداخته‌اند که در آن دستبندها و گردنبندها و انگشترهایی بود که زنان فرستاده بودند تا سپاه اسلام را یاری دهند (واقدی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص. ۷۵۵).

۵-۶-۲. خدمات پشت جبهه نبرد

ام سنان اسلمی هنگامی که پیامبر برای جنگ خیبر آماده می‌شد نزد ایشان آمد و گفت: دوست دارم همراه شما باشم و برای سپاه آب تهیه کنم، مجروحین را مداوا کنم و از وسایل رزمندگان مواظبت کنم، رسول خدا فرمود مانعی ندارد. بانوان دیگری هم می‌آیند و ام سلمه هم شرکت می‌کند، تو نیز با ام سلمه همراه باش (محللاتی، ۱۳۶۹ق، ج ۳، ص. ۴۱۰). در جنگ‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) همیشه عده‌ای از زنان حاضر بودند که به آب‌رسانی و پرستاری از زخمی‌ها می‌پرداختند؛ مانند «لیلی غفاری» که بارها در میدان‌های نبرد حضور یافت و از بیماران و مجروحان جنگی پرستاری و آنان را مداوا و معالجه کرد (محللاتی، ۱۳۶۹ق، ج ۵، ص. ۵۹۵). «ام عطیه» و «ام سلمه» نیز در غزوات متعددی شرکت داشتند و از مجروحان پرستاری می‌کردند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۴، ص. ۶۹).

ربیع دختر معوذ غفراء در جنگ‌ها به مداوای مجروحین می‌پرداخت و اجساد شهداء را از میدان جنگ به مدینه منتقل می‌کرد. دختر پیامبر، فاطمه نیز از جمله بانوانی است که از شیوه‌های نوینی در بستن زخم مجروحین مثل استفاده از خاکستر آتش برای ضد عفونی کردن زخم، استفاده می‌کرد.

از زنان دیگر پرستار در جنگ «کعبیه دختر سعید اسلمی» بود که در غیر از جنگ هم به پرستاری مجروحین مشغول بود. برای او در مسجد خیمه‌ای برافراشته بودند که به درمان مجروحان بپردازد. وی از پرستاران سعد بن معاذ بود. کعبیه با وجود امکانات ناچیز، زخم‌های مجروحین را پانسمان و به ساختن داروهای ساده مبادرت می‌کرد و خدمات بهداشتی چشمگیری انجام می‌داد. در جنگ خیبر هم در رکاب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، انجام وظیفه کرد. پیامبر نیز از غنایم، به او سهمی برابر یک سرباز جنگی داد.

در جنگ احد زنان زیادی برای کمک به مجاهدان شرکت داشتند و با رساندن آب و غذا و شستن لباس‌ها و پرستاری مجروحان، به سپاه اسلام یاری می‌رساندند (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص. ۴۱۴).

در جنگ خیبر نیز شاهد حضور چهارده زن هستیم که از مدینه خوراکی آورده بودند و به جستجوی آب می‌رفتند (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۶، ص. ۲۷۲). ام عطیه نیز در هفت جنگ همراه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حضور داشت و یکی از وظایفش

تهیه غذا برای رزمندگان اسلام بود (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص. ۳۳۴).

ابن سعد در طبقات نام زنی به نام ام معبد خزاعیه را ذکر می‌کند که در یکی از جنگ‌ها، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به او برای خرید گوشت و خرما مراجعه کرد (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص. ۲۸۸).

تشویق مردان به قتال و ادامه مبارزه از دیگر کارهایی بود که زنان در پشت میدان نبرد انجام می‌دادند. مانند ام عماره که پس از بستن زخم‌های پسرش در جنگ احد، او را به ادامه جهاد ترغیب و تشویق می‌کند (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص. ۴۱۴) و گاه با سخنان آتشین خود، فراریان از میدان نبرد را به مبارزه فراخوانده و آنان را تهییج می‌کردند؛ برخورد ام‌ایمن و صفیه با فراریان احد (واقعی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص. ۲۰۰) و برخورد ام‌حارث و ام‌عماره با فراریان جنگ حنین (واقعی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، صص. ۶۸۹ و ۶۹۰)، همه موارد اندکی از این‌گونه رشادت‌های زنان است.

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد کارهای انسانی که در این قرن از تمدن بدست سازمان‌های بین‌المللی مانند صلیب سرخ انجام می‌گیرد در بیشتر جنگ‌های صدراسلام زنان بر دوش گرفتند (بروان، ۱۳۳۷، ص. ۱۸۰).

۵-۶-۳. دیده‌بانی

علاوه بر تلاش‌های غیرمستقیم زنان برای دفاع و حمایت از رزمندگان، گاه حضور ایشان در میدان نبرد، حضوری مستقیم بود. مانند مسئولیت دیده‌بانی از آذوقه و توشه در جنگ خیبر که بر عهده ام‌سنان اسلمی قرار داشت (محلّاتی، ۱۳۶۹ق، ج ۳، ص. ۴۱۰).

۵-۶-۴. جنگاوری

از زنانی که در میدان نبرد حنین به طور مستقیم وارد صحنه جنگ شده، ام‌حارث است که پس از فرار جنگجویان، پیش روی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) قرار گرفت و سپر ایشان شد (محلّاتی، ۱۳۶۹ق، ج ۳، ص. ۳۶۰). داستان رشادت صفیه در غزوه خندق و کشتن مرد یهودی به وسیله او، نمونه دیگری از رشادت این زنان است (یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۴۰۷).

رشادت‌های ام‌عماره در جنگ‌ها نیز مثال‌زدنی است؛ این بانوی شجاع نه تنها در

جنگ‌ها حضور می‌یافت، بلکه در موقعیت‌های حساس جنگ‌هایی چون احد، خیبر و حنین به جنگاوری و دفاع از پیامبر پرداخته است.

۵-۶-۵. اسلحه‌سازی

از شغل‌های متداول عصر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ساختن سازوبرگ جنگی توسط زنان بود. در تاریخ اسلام نام بانویی به نام ردینه به چشم می‌خورد که به اسلحه‌سازی اشتغال داشت و نیزه‌هایی که می‌ساخت، مشهور بود (کهاله، ۱۹۸۴م، ص. ۲۵۴).

۵-۷-۷. پزشکی

۵-۷-۱. زنان پزشک

گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد از ۷ پزشک دوره جاهلیت، ۳ نفر آنان یعنی زینب طیبه بنی اود، رفیده از بنی اسلم و ام‌عطیه یثربی، زن بودند.

به جز این سه نفر نام پزشکان دیگری چون: ام‌عطاء، ام‌کبشه، حمنه بنت جحش، معازه، لیلی، امیمه، ام‌زیاد، ربیع بنت معوذ، ام‌عطیه، ام‌سلیم آمده است (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، صص. ۱۸۴-۱۸۵).

نام‌آورترین زن، زینب دختر بنی اود است که در بین اعراب زمان خود به چشم پزشکی اشتهار داشت (برون، ۱۳۳۷، ص. ۱۷۹). شهرت او به حدی است که ابوالفرج در الاغانی می‌نویسد رشته‌های تخصصی چون کحالی و چشم‌پزشکی مایه افتخار فرهنگ و تمدن درخشان اسلام است (برون، ۱۳۳۷، ص. ۱۸۰).

آنچه مهم است اینکه مورخین غربی مثل ادوارد براون در ضمن اشاره به پزشکان زن در صدر اسلام به تبجر و کارایی عالی آنان نیز اشاره دارند که خود موجب سربلندی و فخر امت اسلامی است (برون، ۱۳۳۷، ص. ۱۸۱).

برخی از زنان به دلیل تبجری که در امر معالجه بیماران داشتند، خیمه‌ای مخصوص این کار برپا کرده بودند؛ مانند خیمه رفیده در جنگ خندق (طبری، بی‌تا، ج ۳، ص. ۱۰۷۸).

۵-۷-۲. مامایی و قابلگی

مامایی و قابلگی نیز از مشاغل معمول بانوان بود، سلمی زن ابو رافع و سوده دختر مسرح

هر دو قابله بودند.

۸-۵. کشاورزی

سهل بن سعد گوید: زنی از قبیله ما در مزرعه خود یک نوع گیاه شبیه کدو می‌کاشت و روزهای جمعه ریشه آن را می‌چید و با آرد جو مخلوط می‌کرد و غذایی درست می‌کرد که وقتی از نماز جمعه برمی‌گشتیم به آنجا می‌رفتیم تا از آن غذا بخوریم ما جمعه را به خاطر آن غذا دوست می‌داشتیم.

مولوی سعید انصاری می‌نویسد: کشتکاری زنان چنان گسترده بود که فضای مدینه را سبز و خرم کرده بود.

خاله جابر بن عبدالله انصاری نخل‌داری می‌کرد (آئینه‌وند، ۱۳۹۱).

۹-۵. دامداری

۹-۵-۱. چوپانی زنان

پیشینه چوپانی زنان، زمان‌های دور و درازی دارد. قرآن (قصص / آیه ۲۳-۳۷) در جریان قصه موسی به چوپانی دختران شعیب اشاره کرده است. علاوه بر این، چوپانی زنان در فرهنگ اقتصادی اعراب نیز سابقه طولانی دارد (ابن هشام، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص. ۱۴۱).

گله‌داری و دامپروری از دیگر مشاغل زنان در دوره پیامبر بوده است. وقتی میمونه همسر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) زنی از کنیزکان خود را آزاد کرد، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به او فرمود: «اگر او را به خانواده‌ات می‌دادی تا برایشان گوسفند بچرانند، بهتر بود» (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص. ۴۳۸ و ج ۲۴، صص. ۲۶-۲۷).

کعب بن مالک، دخترکی داشت که به چوپانی گوسفندان او اشتغال داشت. آن دختر یک روز مشاهده کرد که گوسفندی مریض است. او را با یک تکه سنگ [تیز] سر برید. کعب به خانواده‌اش گفت: از گوشت آن نخورید تا حکم آن را از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بپرسم (قنوجی بخاری، ۱۹۸۱ق، صص. ۲۰۷-۲۰۸). از این ماجرا روشن می‌شود زنان از روش ذبح و سر بریدن نیز آگاهی داشتند.

به جز کعب بن مالک تعداد دیگری از یاران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) زنان را برای چوپانی استخدام کرده بودند و آن حضرت این روش را تأیید کرده بود.

۵-۹-۲. ساربارنی شتر

اسماً بنت یزید که از بهترین زنان سخنور، شجاع و دانشمند صحابی است، زمامدار ناقه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده است. اسماً که خودش از محدثان اسلامی است، می گوید: «انی لاخذ بزمام الغضبیا ناقه رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)»؛ من زمام شتر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را که (غضبا) نام داشت می گرفتم (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۴۱). قیله دختر مخرمه نیز از زنان عصر حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) و از ساربانان می باشد.

۵-۹-۳. پرورش اسب

پرورش اسب با آنکه کاری سخت و دشوار بوده اما زنانی در صدر اسلام به آن پرداخته بودند. اسماً دختر ابوبکر - همسر زبیر - در زمره کسانی هستند که اسب می پروراندند است. او می گوید: «كنت اخدم الزبیر و كان له فرس اسوسه فلم یکن من الخدمه شیء اشد علی من سیاسه الفرس»؛ من به زبیر کمک می کردم و او اسبی داشت که من سیاستش (تربیتش) می کردم اما؛ هیچ کاری مثل پرورش اسب برای من شدید (و ناگوار) نبود (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۴۴).

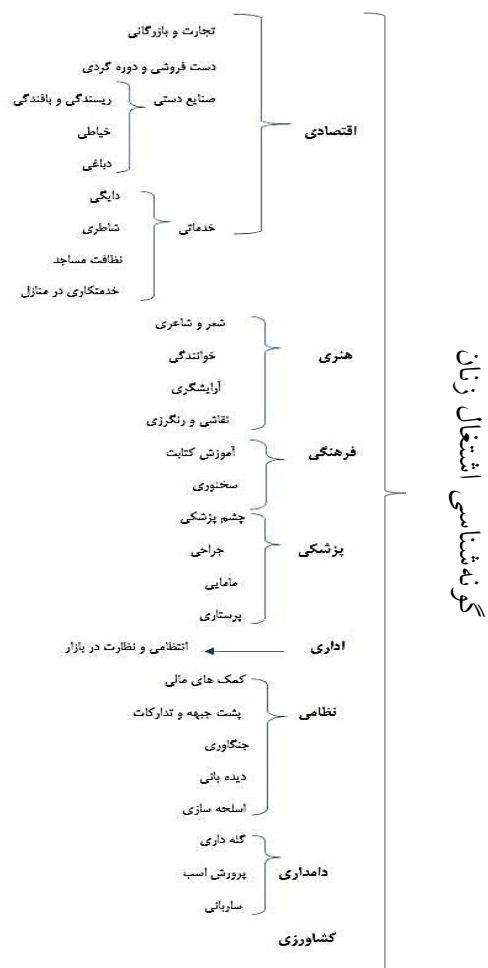
نتیجه گیری

در سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) هیچ نوع ممنوعیتی برای اشتغال زنان نمی بینیم بلکه شواهد بسیار زیادی وجود دارد که نه تنها حضرت زنی را از کار و داشتن پیشه‌ای در بیرون منزل منع نکرده‌اند بلکه برای موفقیت در کسب و کار، راهکار ارایه کرده‌اند و نکته بسیار مهم و قابل توجه اینکه زنانی را که پیامبر به نوعی در شغلشان مورد تأیید قرار داده‌اند مسئله نیاز مالی و اضطرار برای داشتن راهی برای تأمین مخارج زندگی نبوده است که نمونه‌های بارز آن دو تن از همسران پیامبر خدیجه بنت خویلد و زینب بنت جحش می باشند.

چنین استنباط می شود که موضوع مهم دادن شخصیت مستقل به زنان و شکوفایی استعدادهای آنان و بهره‌برداری از ظرفیت‌های وجودی این بخش مهم از جامعه و احساس کرامت به زنان مورد نظر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده است. گونه‌شناسی اشتغال زنان در سیره نبوی بیانگر آن است که زن‌ها با حضور خود در

اجتماع به فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، هنری و کشاورزی می‌پرداختند و انگیزه زنان از اشتغال، تنها پرکردن اوقات فراغت و سرگرمی و یا تأمین هزینه زندگی نبوده بلکه در کنار این انگیزه‌ها باید به مسئله مهم احساس استقلال مالی زن نیز اشاره کرد. در شرایط مدرن رویکرد اقتصادی به اشتغال زنان غالب است، این رویکرد نه تنها تفاوت‌های جنسیتی زنان را انکار کرده بلکه نتوانسته منافع اقتصادی مورد ادعا را بسوی زنان سوق دهد. اگر در رویکرد اقتصادی ادعا می‌شود که حضور زنان در صف نیروی کار جامعه منابع و بهره‌وری اقتصاد را دو چندان می‌کند، در رویکرد اجتماعی، در عین حفظ جایگاه و هویت زنان در خانواده، سه کارکرد مهم محقق شده که در این بررسی تاریخی کاملاً مشهود بود:

- نیازهای واقعی و ضرورت‌های اجتماعی که منوط به اشتغال زنان است تأمین می‌شود.
- سرمایه اجتماعی زنان به عنوان نیروی مفید و فعال تقویت می‌گردد.
- اولیت و اولویت کنش خانوادگی برای زنان به عنوان محور مهمترین نهاد اجتماعی حفظ می‌شود.



یادداشت‌ها

۱. البته مقالاتی هم مشابه این تحقیق یافت شد لکن هیچ کدام چنین احصا و گونه‌شناسی را دنبال نمی‌کرد: مقاله مشاغل زنان در عصر رسالت، از سیدمحسن سعیدزاد؛ مقاله «زنان در عصر پیامبر، از فعالیت در میدان جهاد تا عطر فروشی و تجارت»، اسماء جیران پور و مقاله «سی سال با تاریخ»، صادق آئینه‌وند.

کتابنامه

۱. آئینه‌وند، صادق (۱۳۸۴). زن در توسعه و سیاست. مجله پیام زن، ۳(۳).
۲. آئینه‌وند، صادق (۱۳۹۱). سی سال با تاریخ (مجموعه مقالات). تهران: کتاب توت.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبئه‌الله (بی‌تا). شرح نهج‌البلاغه. قم: دار الکتب العلمیه.
۴. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۹۰ق). اسد‌الغابه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۲۶ق). الاصابه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن سعد، محمد (بی‌تا). الطبقات الکبری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. ابن شعبه، حسن (۱۳۸۲). تحف العقول. قم: آل علی.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۸۳ق). البدايه و النهایه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. ابن هشام، عبد الملک (۱۴۱۳ق). السیره النبویه. تصحیح مصطفی السقا و دیگران، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. امین مجد، زهرا (۱۳۹۵). الهیات جنسیتی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. براون، ادوارد (۱۳۳۷). تاریخ طب اسلامی. ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۱۲. جواد آملی، عبدالله (۱۳۷۸). زن در آئینه جلال و جمال. قم: دار الهدی.
۱۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی (بی‌تا). تاریخ بغداد. بیروت: دار الکتب العربی.
۱۴. شهید اول، محمد بن مکی (بی‌تا). الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین (بی‌تا). المیزان. قم: اسماعیلیان.
۱۶. طبرانی، ابی القاسم سلیمان بن احمد (۱۴۰۴ق). المعجم الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. طبری، محمد بن جریر (بی‌تا). تاریخ الرسل والملوک. بی‌جا: بی‌نا.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶). التهذیب الاحکام. تهران: نشر صدوق.
۱۹. عقیقی، عبدالله (۱۹۳۲م). المرأه العربیه فی جاهلیتها و اسلامها. بی‌جا: المعارف و مکتبها بمصر.
۲۰. قنوجی بخاری، محمد الصدیق (۱۹۸۱م). حسن الأسوء بما ثبت من الله و رسوله. بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۱. کحاله، عمر رضا (۱۹۸۴م). اعلام النساء فی عالم العرب و الاسلام. بی‌جا: مؤسسه رساله.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا). فروع کافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. مبیض، محمدسعید (۱۴۲۱ق). موسوعه حیاة الصحابیات. سوریه، مکتبه الغزالی.

۲۴. محلاتی، ذبیح‌الله (۱۳۶۹ق). *ریاحین الشریعه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۵. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۱). *میزان الحکمه*. قم: دار الحدیث.
۲۶. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۱۵ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت، لاحیاء التراث.
۲۷. واقدی، محمد (۱۴۰۵ق). *المغازی*. قم: نشر دانش اسلامی.
۲۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی‌تا). *تاریخ یعقوبی*. نجف: المکتبه الحیدریه.

